

پیش از انقلاب ساخته شدند، به روی عموم باز نیستند و شهرک آبادانا هم به همین شکل است. اگر شهرداری می‌تواند داخل شهرک برود و به‌نام سرای محله فعالیت کند، اجازه ورود را مدیران شهرک به آنها داده‌اند.» او در واکنش به شکایت اهالی معترض شهرک آبادانا می‌گوید: «شهرداری تا زمانی که سندی به‌نام خودش ندارد، ولو اینکه توافقنامه هم داشته باشد، این اختیار که در آن مشاعات، کاربری‌های انتفاعی ایجاد کند را ندارد و احداث سرای محله کاربری انتفاعی است.» به گفته او شهرداری ممکن است بگوید، سرای محله انتفاعی نیست اما در آن کار تجاری انجام می‌شود و این استدلال درست نیست: «به‌همین دلیل هم شکایت ساکنان برای تصرف شهرداری در اموال عمومی درست است، چه این زمین‌ها برای شهر باشد و چه برای شهرک باشد، این شکایت کار درستی است.»

▼ اموال عمومی به فروش می‌رسد

شهرک آبادانا از جمله شهرک‌هایی است که مراحل اصلی ساخت آن پیش از انقلاب انجام شده بود. پس از انقلاب بانک مسکن، ساخت مراحل باقیمانده را به‌عهده گرفت و از سال ۱۳۶۵ به‌مرور واحدها به خریداران تحویل شدند. اهالی شهرک آبادانا می‌گویند، سال‌هاست یکی از برنامه‌های شهرداری این است که از ورودی شهرک، خیابانی بکشد و شهرک را به کوچه‌های بیمه که پشت شهرک آباداناست وصل کند و ترده ماشین‌رو ایجاد کند که این اتفاق، شهرک را از حالت خصوصی خارج می‌کند.

در طول سال‌های مختلف، شهرک‌های متعددی به تهران الحاق شده و آخرین آنها شهرک‌های نظامی مانند محلاتی است که در شمال شرق تهران قرار گرفتند. عبدالله‌زاده، پژوهشگر شهری درباره نحوه تعامل شهرداری با این شهرک‌ها می‌گوید: «این شهرک‌هایش‌هایی از زمین‌هایشان را برای دریافت خدماتی مانند جمع‌آوری زباله، آسفالت و نورپردازی معبر به شهرداری واگذار کردند. این مسئله بستگی به نوع توافقی دارد که آنها با شهرداری دارند. شهرداری باید زمانی که مشاعات یک شهرک را تحویل می‌گیرد، سند آن را به‌نام خودش بزند که هم کسی نتواند به آن دست‌درازی کند و هم بتواند در ازای آن، خدماتی را انجام دهد.» او درباره تخلف‌هایی که گاهی از‌سوی شهرداری به‌بهانه دادن خدمات عمومی دیده‌شده، می‌گوید: «شهرداری گاهی سهمی از زمین مالکان را در ازای دادن پروانه ساخت از آنها می‌گیرد و می‌گوید، آنجا را کاربری ورزشی یا خدماتی خواهد کرد. اما پس از مدتی به‌بهانه پول نداشتن، آن زمین را فروخته یا واحدهای مسکونی ساخته و در حقیقت چیزی که باید به اموال عمومی تبدیل می‌کرده را فروخته است،»

مسئله دیگری که ساکنان شهرک آبادانا به آن معترضند، دو مدرسه‌ای است که در سال‌های اخیر در شهرک ساخته شده است: «یک مدرسه شاهد و یک مدرسه نمونه‌مردمی در شهرک ساختند و دانش‌آموزان شان از بیرون وارد شهرک می‌شوند.» پس از ساخت این مدارس، علاوه بر اینکه رفت‌وآمد آنها در ساعات‌های صبح و ظهر باعث ایجاد ترافیک در شهرک شده است، این امکانات را در اختیار دانش‌آموزانی قرار داده که ساکن شهرک آبادانا نیستند: «دانش‌آموزان خود شهرک، برای تحصیل به مدرسه‌های شهرک اکباتان می‌روند، دانش‌آموزانی که در شهرک ساکن نیستند، از امکاناتی استفاده می‌کنند که هزینه‌های آن را ساکنان شهرک آبادانا پرداخت می‌کنند.» یکی از مادرانی که فرزندش را برای تحصیل به‌شهرک اکباتان می‌فرستد درباره این موضوع به «هم‌میهن»

می‌گوید: «فرزندم که برای تحصیل به اکباتان می‌رود، یا باید پیاده برود یا اگر برای او سروسیس بگیریم، باید کاملاً از محوطه شهرک خارج شود، به خیابان آزادی برود و وارد اکباتان شود. اینجا یک شهرک بسته است و راه ندارد.» او از ترافیک ایجادشده به‌دلیل ساخت مدارس جدید در شهرک گلایه می‌کند: «اما کسی را داشتیم که دچار ایست‌قلبی شد، آمبولانس و خانواده‌اش در ترافیک مدرسه گیر کردند و خانواده‌اش اضطراب بسیاری را متحمل شدند.» غیر از این دو مدرسه، پنج مدرسه دیگر در شهرک وجود دارد که در نقشه‌های اولیه جانمایی و پیش‌بینی شده بودند. یکی دیگر از اهالی از تخلف‌هایی که در محوطه مسجد الزهرای شهرک آبادانا شده است، خبر می‌دهد: «آنها گفتند که می‌خواهیم در حیاط مسجد، سالی تر حیم کوچکی بسازیم که مراسم محلی در آن گرفته‌شود. اما ناگهان ما با ساختمانی سه‌طبقه مواجه شدیم که بعدتر فهمیدیم طبقه آخر آن قرار است خانه امام جماعت مسجد باشد.» پس از پیگیری ساکنان درباره این ساختمان جدید مسجد، به آنها گفتند مجوز از کلاتنری گرفته شده و بعدتر هم اعضای شورای مرکزی به آنها اعلام کردند که از کلاتنری با آنها تماس گرفتند و گفتند: «دنبال این قضیه را نگیرید که خطرناک است.» اما اهالی این حرف‌ها را باور نمی‌کنند: «این امر محالی به‌نظر می‌رسد اما مردم را می‌ترساند. حالا هم برای استخر برنامه دارند که آن را پُر و تبدیل به پارک بازی یا آمفی تئاتر کنند. میان سرای محله، استخر و مسجد، یک میدانگاه وجود دارد که می‌خواهند به‌مرور آن را بیلعند و این محوطه را به هم متصل کنند. درحالی که تمام هزینه‌های آنها را مردم می‌دهند و عایدی برایشان ندارد.» اهالی شهرک آبادانا از سروصداهای زیادی که به‌دلیل تردد‌های افراد غیرساکن در شهرک ایجادشده، گلایه می‌کنند: «سروصدا و مزاحمت برای بلوک‌ها ایجادشده و هر چه تردد خارج از شهرک بیشتر شود، این مسئله شدیدتر خواهد شد.» آنها می‌گویند، در ساخت سازه جدید کنار مسجد، نشت‌ها اصول مهندسی رعایت نشده که پیاده‌رو را هم تصرف کردند. یکی دیگر از اهالی می‌گوید، سال‌ها پیش هم شهرداری می‌خواست از خیابان‌های شهرک به‌عنوان معبر عمومی استفاده کند: «شهرداری می‌خواست از زمین‌های شهرک برای خیابان‌کشی استفاده کند، اما با او مخالفت شد و این جمع حداقل منفعت‌اش این است که شهرداری متوجه می‌شود دست‌درازی به اینجا، هزینه دارد و آسان نیست.» آنها معتقدند، شهرداری برای انجام هر کاری در شهرک، باید موافقت دو هزار و ۹۰۰ واحد مسکونی را داشته باشد: «سرای محله باید از آنجا برود که پراکندگی باشد و نزدیک به مسجد نباشد. ۱۴ سال است سرای محله در آنجا مستقر شده و هیچ عایدی برای شهرک نداشته است. سرای محله باید در رینگ اصلی شهرک جانمایی شود و در آرایش نگهداری، آبیاری فضای سبز و برق مشاعات را به شهرک بدهد.»

▼ ساخت‌وساز از سال ۸۴

به روایت ساکنان قدیمی شهرک، سال ۸۴ هم شهرداری یک‌بار دیگر بخشی از زمین‌های متعلق به شهرک را از آنها گرفته و در آنها ساخت‌وساز کرده است: «تا سال ۸۴ یک مخزن فاضلاب در شهرک وجود داشت که برای آبیاری فضای سبز استفاده می‌شد اما بعد از آنکه فاضلاب شهری راه افتاد شهرداری با بانک مسکن و اداره ثبت، ۶ هزار متر زمین متعلق به شهرک را آپارتمان‌سازی کردند. آنها با اسلحه ایستادند، نگذاشتند کسی جلو بیاید و ساختمان‌ها را ساختند. آنها با زور و تهدید، مردم را از محدوده ساخت‌وساز دور می‌کردند.» به گفته اهالی یکی از آن ساختمان‌ها هنوز سند ندارد: «بقیه را سند زدند و به فروش رساندند.» آنها بر این باورند که چون شهرک آبادانا یک محیط بسته است، تخلفاتی که در آن می‌شود به‌چشم کسی نمی‌آید.

آنها از برگزاری کلاس‌هایی در پایگاه شهرک خبر می‌دهند

و می‌گویند: «یک پایگاه در شهرک وجود دارد که کلاس برگزار می‌کند و از آب و برق رایگان استفاده می‌کند که عملاً هزینه آن را ساکنان در شارژ ماهانه پرداخت می‌کنند. اما این کلاس‌ها هم عایدی برای شهرک ندارد.» ساکنان معتقدند، ارگان‌های دولتی خارج از شهرک «دره‌ذره و زیرپوستی» پیش‌روی می‌کنند. صادق کاشانی، حقوقدان در گفت‌وگو با «هم‌میهن» درباره مداخله نهادهایی مانند شهرداری در این شهرک‌ها می‌گوید: «سازنده شهرک اگر کل زمین‌ها را خریده باشد، شهرداری نمی‌تواند در زمین‌های مشاعات آنها مداخله‌ای بکند. اما اگر ساختمان‌ها شهرک اختصاصی نباشد و معابر شهری محسوب شود، شهرداری می‌تواند در شهرک وارد شود. اما به‌نظر می‌رسد درباره شهرک آپادانا، نوع اول صادق است که یک شهرک اختصاصی است.» او از شهرک هرمان به‌عنوان نمونه دیگری از این شهرک‌ها که ساکنانش با شهرداری درگیر شدند، یاد می‌کند و می‌گوید: «در شهرک هرمان هم چندسال پیش این مسئله مطرح شد که در مشاعات شهرک، برج‌سازی کردند. آنها می‌گفتند، در اسناد مالکان حرفی از مشاعات نبوده و به‌همین دلیل هم در آنها ساخت‌وساز شده بود.» در دهه ۸۰ یک شرکت عمرانی به‌نام «عمران تکلا» که بعدها مشخص شد بخش عمده‌ای از سهام آن متعلق به وزارت راه و شهرسازی بوده، شروع به ساخت‌وساز سه برج جدید در محوطه شهرک هرمان کرد و تعداد برج‌های این شهرک از ۱۷ به ۲۰ رسید. براساس پروانه مصوب، این شرکت تنها مجاز به ساخت ۱۳ برج ۱۴ طبقه و چهار برج ۱۸ طبقه (مجموعاً ۱۷ برج) بود، اما بعدها اقدام به ساخت سه برج اضافه، بدون هیچ گونه پروانه ساخت از‌سوی شهرداری کرده بود. هزار و ۲۰۰ خانواده مجتمع مسکونی هرمان، بارها اعتراض خود را با شیوه‌های مختلف در رابطه با ساخت این برج غیرقانونی اعلام کردند. اما نتیجه‌ای در پی نداشت. کاشانی درباره چنین ساخت‌وسازهایی در شهرک‌های خصوصی می‌گوید: «شهرک امیدوهرمان که پیش از انقلاب ساخته‌شدند به‌روی عموم باز نیستند و شهرک آبادانا هم به‌همین شکل است. اگر شهرداری می‌تواند داخل شهرک برود و به‌نام سرای محله فعالیت کند، اجازه ورود را مدیران شهرک به آنها داده‌اند.» این همان موضوعی است که مالکان معترض هم می‌گویند: «براساس اساسنامه کار آنها اداره امور شهرک است و باید کارهای جاری و عادی را انجام دهند و واگذاری ملک جز با رضایت صدرصدی مالکان امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که چنین رضایت‌نامه‌ای از مالکان دریافت نشده است. یک نفر که مدیر ساختمانی می‌شود، نمی‌تواند حیاط مجتمع را به دیگری واگذار کند.» یکی دیگر از ساکنان قدیمی شهرک می‌گوید: «دو سال است که ما می‌گوییم شما که خودتان را قیم ما می‌دانید، به ما پاسخ دهید اما هیچ جوابی نمی‌دهند.»

«ح»، جزو اولین کسانی است که در شهرک آبادانا ساکن شده است. او از شیوه مدیریت شهرک انتقاد می‌کند و به «هم‌میهن» می‌گوید: «سال ۹۰ ما تجمعی داشتیم و درخواست تجمیع مدیریت کردیم. حرف ما این بود که به جای ۶ هیئت‌مدیره و یک شورای مرکزی، یک هیئت‌مدیره هفت‌نفره حقوق‌بگیر باشد که بتوانیم آنها را بازخواست کنیم. در حال حاضر غیر از مدیرعامل و منشی، دیگران حقوق نمی‌گیرند و وقتی هم بازخواست می‌شوند، می‌گویند ما فی سبیل الله کار کردیم و از حق زن و بچه خودمان زدیم و اینجا آمدیم.» روشنایی معابر، فضای سبز و آسفالت شهرک در حال حاضر از شارژ ساکنان پرداخت می‌شود: «هر واحد بین دو میلیون تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان شارژ پرداخت می‌کند. نگهبانی شهرک گوش به فرمان هیئت‌مدیره مرکزی است و به‌همین دلیل ما همیشه بعد از هر اتفاقی خبردار می‌شویم و به‌عنوان مشا، ناگهان لوذر شهرداری را در شهرک می‌بینیم. به‌همین دلیل هم شب‌ها کشیک می‌دهیم که کامیون خاک نیناید و اگر آمد، بتوانیم زنجیره انسانی تشکیل دهیم.»

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)

نوبت دوم

موضوع: مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره خ ن/م ۱۴۰۴/۷۰۲ مربوط به خرید ۱۰ مجموعه تجهیزات رشته تکمیلی(۵ک) ”۵×۱/۲-۴×۷” به همراه خدمات نصب و رانش مورد نیاز اداره حفاری تحت تقاضای شماره ۳۱۹۰۷۰۴۱۳-SHP

شماره سامانه ستاد: ۲۰۵۴۹۳۲۱۵۰۵۰۴۳

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران در نظر دارد موضوع مناقصه فوق‌الذکر با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به صورت مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای) به شرکت‌های واجد شرایط، واگذار نماید.

(الف) شرح مختصر کار

خرید ۱۰ مجموعه تجهیزات رشته تکمیلی(۵ک) ”۵×۱/۲-۴×۷” به همراه خدمات نصب و رانش مورد نیاز اداره حفاری تحت تقاضای شماره ۳۱۹۰۷۰۴۱۳-SHP

(ب) مدت و محل اجرای قرارداد

مدت قرارداد: ۳۶۰ ماه پس از ابلاغ سفارش به فروشنده (تحویل کالا حداکثر ۹ ماه (طبق پیشنهاد فنی مناقصه‌گربزنده) از زمان ابلاغ شروع به کار و مابقی زمان قرارداد جهت انجام خدمات نصب و رانش طبق جدول زمان بندی نیاز خریدار) می باشد.

محل تحویل: استان تهران ،شهری، انبار شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و نصب و رانش در کلیه مناطق عملیاتی تحت پوشش شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

(ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی)

ارائه مدارک استعلام ارزیابی کیفی من جمله شرایط و مدارک اعلام شده زیر جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

۱- داشتن شخصیت حقوقی و ارائه مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی تأسیس شرکت در روزنامه رسمی، اساسنامه، آخرین تغییرات، گد اقتصادی و شناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر (فکس).

۲- داشتن صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ و ارائه مدارک جهت ارزیابی توان مالی.

۳- ثبت نام در سامانه جامع تجارت ایران (جام) به نشانی NTSW.IR به منظور فراهم نمودن امکان استعلام و تعیین اصلت صورت‌های مالی حسابرسی شده مناقصه‌گران از سامانه پردیس.

۴- حضور در فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) طبق سامانه EOP, MOP, IR برای کالای موضوع مناقصه.

۵- داشتن توانایی ارائه ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۵۰۰ و ۸۰۰/۳۳۷۵ ریال به عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (منافصه).

۶- عضویت در سامانه ستاد و داشتن گواهی امضای الکترونیکی و تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت WWW.SETADIRAN.IR

۷- قیمت‌های بایست متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

(د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه، تأیید فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱-۱۴۵۶۰۲۱۰۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر شهرستانها در سامانه WWW.SETADIRAN.IR بخش ثبت نام/اروفایل تأمین‌کننده/ مناقصه‌گرموجوداست.

آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ و آخرین مهلت ثبت و بارگذاری اطلاعات فراخوان و اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی این مناقصه: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ می باشد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۸۷۵۲۴۴۲۲ (۰۲۱) (تدارکات کالا) تماس حاصل نمایند.

شناسه آگهی: ۱۹۹۰۴۳۳

خبر سازان



سد «ماندگان»

مجوز زیست محیطی ندارد

صدیقه ترابی، معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد، سد ماندگان تاکنون مجوز زیست‌محیطی دریافت نکرده و هنوز عملیات اجرایی برای آن قبل از صدور مجوز، خلاف قانون است. ترابی در گفت‌وگو با مهر درباره پرونده سد ماندگان گفت: «سال گذشته ما مکرراً از وزارت نیرو خواستیم مطابق با جزء (ج) ماده ۴۰ برنامه هفتم پیشرفت مجوز شورای عالی آب دریافت شود. از مهرماه پیگیر بودیم تا نهایتاً وزارت نیرو مصوبه شورای عالی آب را برای انتقال آب صرفاً برای شرب در پایان سال دریافت و در ۲۰ فروردین ماه امسال به ما ارائه کرد.» به گفته او، سازمان حفاظت محیط‌زیست تاکنون هیچ مجوز زیست‌محیطی برای سد ماندگان صادر نکرده و عملیات اجرایی قبل از مجوز، باید مورد بررسی قرار می‌گرفت: «در یک‌سال گذشته حدود ۲۹۸ طرح مورد بررسی زیست‌محیطی قرار گرفت که ۲۳۴ طرح دارای پیشرفت فیزیکی بودند. این طرح‌ها توسط وزارتخانه‌های نیرو، نفت، سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط ارائه شدند.»



بسته حمایتی برای بیمه زنان

زهرابهرآزاد، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان از آمادگی معاونت زنان برای همکاری با شرکت‌های بیمه برای بیمه زنان خانه‌دار، زنان سرپرست خانوار و دختران مجرد خبر داد و گفت که این معاونت می‌تواند با همکاری بیمه‌ها، بسته‌های حمایتی ویژه در این حوزه ارائه کند.

ادامه از صفحه اول

به نظرم جلال بیش از بسیاری از روشنفکر زمانهٔ خود به سبک زندگی شخصی نسل کنونی نزدیک بود زیرا نه تنها هیچ علقه‌ای به زندگی متشاعنه نداشت بلکه با عصیان و طغیان علیه آن، با به زندگی اجتماعی گذاشته بود. جلال در عین حال، نوعی سوداهای سیاسی هورقلیایی در سر داشت که اگر به فرض محال صورت عینی به خود می‌گرفت، نسل امروزی چندان با او از در ستیز و منازعه در نمی‌آمد. بدقابلی جلال این بود که بدون هیچ دلیل موجه و یا حتی قرابت ملموسی با شاگردان بنیادگرای بی‌واسطه یا با واسطهٔ مرحوم فریدد، از سوی آنان و شماری از دستگاه‌های رسمی به عنوان «روشنفکر تراز» معرفی شد و همین موضوع او را به صورت نماد و سمبل «وضع موجود» و منشأ فکری و سیاسی آن درآورد. «وضع موجود» برای بسیاری از جوانان، مظهر تحمیل سبک زندگی متشرعانه و یا محرومیت از فرصت‌های شغلی مناسب و یا خروج کشور از دایره و روند توسعه و یا تبعیض عقیدتی علیه آنان است و این همه را به آیین غرب‌ستیزی ی افراطی که به نظرشان در نظریهٔ غرب‌زدگی آل احمد و دفاع او از سنت صورت‌بندی شده است، نسبت می‌دهند. در کنار این، برخی از روشنفکرانی که در زمان حیات جلال به واسطهٔ میدان‌داری پرسروصدا ی خود به حاشیه رفته و یا صدای‌شان به اندازهٔ او شنیده نشده بود و یا به قصد انتقام‌گیری غیر مستقیم از «وضع موجود» جلال را هدف مشروعی برای حمله و نفرت یافتند و هرگونه ارزشی را از او سلب کردند. بدون تردید جلال از طریق به‌کارگیری نادرست بسیاری از مفاهیم و عدم آشنایی لازم با بسیاری دیگر از آنها، سبب بدآموزی‌های عمیقی برای نسل مبارز زمانهٔ خود شد. با این حال او به خواب هم نمی‌دید که کسانی مدعی میراث‌داری‌اش شوند که او کمترن قرابتی بین خود و آنان نمی‌دید. جلال اگر زنده بود امکان نداشت با تحمیل سبک‌های متشرعانه زندگی و یا تبعیض عقیدتی و یا غرب‌ستیزی از موضع بنیادگرایی، لحظه‌ای کنار آید و یا در مقابل آن سکوت کند. جلال اگر از گور برمی‌خاست، چه‌بسا جوانان سرخورده از وضع موجود او را نه در برابر خود، بلکه پیشگام دفاع از بسیاری از مطالبات خود می‌دیدند. آدم پر شور و شری چون او ظاهراً سرنوشتش پس از مرگ این بود که قربانی سوءتفاهم‌ها و سوءاستفاده‌های پایان‌ناپذیر عرصهٔ سطحی سیاسی ایران درآید.